

شده اند - اختصاص یابد. اگر در طول سه سال گذشته، فقط سالانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد تومان به این امر اختصاص می یافت، به طور حتم امروز کمبود ۴ هزار مگاواتی تولید برق توسط نیروگاه های برق آبی را شاهد نبودیم. ■

با توجه به شرایط موجود، برای برطرف کردن یا به حداقل رساندن تلفات انرژی برق در شبکه توزیع، باید سرمایه ای بالغ بر هزار میلیارد تومان در جهت بهسازی و نوسازی شبکه برق - که برخی از آنها ۴۰ سال پیش ساخته

### قیمت های جهانی نفت در بحران

## علت یا معلول

### کاهش جهانی قیمت نفت طی ماه های اخیر، شوک شدیدی را به اقتصاد کشورهای صادرکننده این ماده خام وارد کرده است.

قیمت آنها از قیمت های نفت خام تبعیت می کنند، افزود. نفت خام و گاز طبیعی، رقمی در حدود ۶۰ درصد از کل انرژی مصرفی دنیا را در ابتدای سال ۲۰۰۸ به خود اختصاص داده اند. حال تصور کنید قیمت های جهانی این محصولات، طی مدتی کوتاه، روندی صعودی را طی کرده و افزایشی دو تا سه برابری را تجربه کنند. این در حالی است که هزینه سایر

قیمت های جهانی نفت طی چند ماه از ۱۵۰ دلار در هر بشکه به کمتر از ۳۵ دلار رسید. با وجود شوک سنگین ناشی از سقوط آزاد قیمت در بازارهای جهانی، سؤال مهمتری که ذهن کارشناسان را به خود مشغول کرد این بود که دلایل این اُفت شدید و ناگهانی قیمت نفت چیست؟ چرا به فاصله کوتاهی از ثبت رکوردهای قیمتی و رکوردهای سود

نهاد های تولید (دستمزد، مدیریت، زمین و غیره) با ارقامی در حدود دو تا سه درصد در سال در حال رشد است. نتیجه این شرایط چه خواهد بود؟ افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات، کاهش قدرت خرید و کاهش تقاضا و تسری بحران به مجموعه اقتصاد از طریق کاهش در توان بازپرداخت بدهی ها.



در عملکرد شرکت های بزرگ نفتی دنیا، تقاضای نفت وارد سراسی بی مرگباری شد که در خوشبینانه ترین برآوردها، حداقل تا یک سال آینده از آن خارج نخواهد شد؟ ”رکود شدید اقتصاد جهانی“، این پاسخی است که در اولین و کلی ترین عبارات و تعبیر ممکن، به توصیف دلایل آنچه که در بازار جهانی نفت در جریان بود، می توان داد. دلایل

در این بخش، هشدارهای لازم در این زمینه از سوی کارشناسان داده شده بود. نریمان به روش، اقتصاددان ارشد موسسه ”گلوبال این سائت“ و کارشناس سابق فدرال رزرو آمریکا در این زمینه در ماه نوامبر سال ۲۰۰۷ با هشدار در خصوص تداوم روند قیمت های فزاینده نفت گفته بود: دو شوک برای به زانو درآوردن اقتصاد آمریکا کافی است. ما شوک اول را در قالب بحران اعتبارات بانکی دریافت کرده ایم و نفت می تواند شوک دوم باشد. اظهارات به روش زمانی ارایه شده بود که قیمت نفت در آستانه گذر از مرز ۱۰۰ دلار در هر بشکه قرار داشت و شرکت های آمریکایی هنوز درگیر بحران هزینه های استقرار از سیستم مالی این کشور بودند.

این رکود جهانی چیست؟ برآوردهای اولیه و مرور رویدادهای منجر به بحران نشان می دهد که رکود و ورشکستگی در بازار مسکن ایالات متحد و کاهش تقاضای کل همراه با افزایش قیمت نفت، بخش مهمی از دلایل این بحران را تشکیل می دهند. برخی دیگر از محافل از اُفت شدید ارزش برابری دلار در برابر سایر ارزهای رایج به خصوص یورو به عنوان دلیل مهم دیگری در این زمینه نام برده اند. کاهش ریسک های استراتژیک نیز از سایر عوامل مؤثر محسوب می شوند.

### عمده ترین دلیل

نفت خام از نظر استراتژیک و اقتصادی مهمترین کالای مبادله شونده در عرصه تجارت بین المللی محسوب می شود. این کالا، بالاترین رقم حجم و ارزش پولی را در مبادلات جهانی به خود اختصاص می دهد. ارزش نفت مصرفی در دنیا بر اساس ارقام تعدیل شده، رقمی در حدود ۳ هزار و ۱۱۰ میلیارد دلار برآورد می شود. سهمی در حدود ۳۶ درصد از این رقم در مبادلات تجاری از کشورهای تولیدکننده، روانه بازار کشورهای مصرف کننده می شود. به این ارقام باید ارزش گاز طبیعی و سایر فرآورده های جانبی تولید نفت و گاز را که

کافی در این زمینه می باشد. ادامه این روند کاهش باقی مانده است تا در سال ۸۷ میزان ذخایر به حداقل مقدار خود رسیده و حتی در نیروگاه های برق آبی نیز به صفر برسد. اگرچه وقوع خشکسالی در سال ۸۷ بر کاهش شدید ذخیره منابع آب نیروگاه های برق آبی تأثیر قابل توجهی داشته، ولی علت اصلی این مشکل، عدم مدیریت صحیح و عدم برنامه ریزی و سرمایه گذاری منطقی در این رابطه می باشد. با توجه به میانگین بارش سالانه ایران که رقمی کمتر از ۲۵۰ میلی متر - یعنی کمتر از ۱/۳ میانگین بارش دنیا - می باشد و با توجه به مساحت ۷۵ درصدی مناطق بیابانی و نیمه بیابانی کشور، وجود پدیده خشکسالی در ایران کاملاً طبیعی است. بنابراین کاهش ذخیره منابع پشت سدهای تأمین کننده آب نیروگاه های برق آبی که دلیل اصلی خاموشی های تابستان اخیر می باشد، پدیده ای قابل پیش بینی بود و می توانستیم با مدیریت صحیح، از سال ها پیش برای رویارویی با چنین مشکلی چاره اندیشی کرده تا با کمبود عرضه مواجه نگردیم.

### مشکلات مالی

در دهه اخیر، چالش مالی صنعت برق، منجر به بروز مشکلاتی در سرمایه گذاری برای تولید و متعاقباً کمبود تولید شده است. تثبیت قیمت ها، محدودیت منابع و تزیق یارانه به واحدهای تولیدی دولتی از قبیل نیروگاه ها، واحدهای پتروشیمی و کارخانجات بزرگ دولتی، تزیق یارانه ها به صنایع مادر که همه آنها دولتی هستند، به انحصار در آوردن نیروگاه سازی و فرصت ندادن به بخش خصوصی جهت وارد شدن به این حوزه، همگی از جمله عواملی هستند که مانع جذب سرمایه گذاری در صنعت برق - به ویژه توسط بخش خصوصی - برای توسعه و تولید می باشند. عدم نیروگاه سازی در سال های اخیر (متناسب با رشد ۱۰ درصدی مصرف برق، طبق برنامه چهارم توسعه)، ناکارآمدی سیاست های وزارت نیرو در بخش تولید داخلی و سوق دادن صنعت برق به مونتاژ داخل به جای ساخت - که در نهایت منجر به کاهش ساخت نیروگاه و کمبود تولید شده است - از دیگر دلایل بروز مشکلات در صنعت برق کشور هستند. مورد دیگری که طی سال های اخیر در بروز مشکلات مالی صنعت برق بی تأثیر نبود، بحث بودجه های متعلق به وزارت نیرو است. علیرغم این که مجلس در بودجه سال ۸۶ تصویب کرد که قیمت واقعی برق در سند بودجه منظور شده و مابه التفاوت آن را دولت به وزارت نیرو بپردازد، فقط ۵۰ درصد این مبلغ از سوی دولت پرداخت شد. این مسایل در مجموع، موجب کسری ۲ هزار میلیارد تومانی وزارت نیرو گردید که وزارت نیرو را به صاحبان صنایع الکتریکی و واردکنندگان تجهیزات صنعت برق بدھکار کرد و موجب عدم نصب نیروگاه های جدید به میزان کافی شد. علاوه بر این، به بهره برداری نرسیدن پروژه های مهمی چون نیروگاه هسته ای بوشهر، در زمان مقرر، از عوامل دیگر کمبود تولید برق بوده است، چراکه مجموعه وزارت نیرو روی یک هزار مگاوات برق تولیدی نیروگاه هسته ای بوشهر حساب باز کرده بودند. اما تأخیر در بهره برداری از این نیروگاه، به کمبود عرضه برق دامن زد.

را در این زمینه در ماه قبل از آن ۳۳ درصد اعلام کرده بود. به گفته وی، این افزایش احتمالاً ناشی از تداوم روند فزاینده قیمت نفت بوده است.

ژاپن نیز همان زمان نشانه‌های ورود به دوران رکود اقتصادی را احساس کرده بود. شاخص‌های کلان اقتصاد ژاپن، برای نخستین بار پس از بحران دهه ۱۹۹۰ نزدیک شدن به آستانه صفر را نشان می‌دادند. کمیسیون اروپا در ماه نوامبر، پیش‌بینی خود را از نرخ رشد اقتصادی ۱۳ عضو این کمیسیون در حوزه یورو، برای سال ۲۰۰۸ از ۲/۵ درصد به ۲/۲ درصد کاهش داد. کمیسیون اروپا در گزارش خود در این خصوص، رشد قیمت نفت را علت کاهش برآورد خود اعلام کرده بود. این در حالی است که رشد اقتصادی کشورهای حوزه یورو در سال قبل ۲/۸ درصد بوده است.

تا قبل از بروز بحران، نشانه‌هایی در خصوص بهبود بهره‌وری انرژی در اثر افزایش قیمت آن وجود داشت که امیدهایی را در خصوص تخفیف اثرات افزایش قیمت‌های نفت به وجود آورده بود، اما ظاهراً سرعت افزایش قیمت نفت به حدی بود که افزایش شاخص‌های بهره‌وری نتوانست به رقابت با قیمت‌های نفت بپردازد. جان سیلویا، اقتصاددان ارشد مؤسسه واکوویا در شهر شارلوت (کارولینای شمالی) در این زمینه گفته بود: مسیر بسیار بحرانی و ظریفی را طی می‌کنیم، همین یک ماه پیش ما فکر نمی‌کردیم بحران اعتبارات تداوم یابد و قیمت نفت به بیش از ۸۵ دلار در هر بشکه برسد. این گفته‌ها زمانی بیان شده است که قیمت نفت در رکورد ۹۸/۶ دلاری خود در بورس کالای نیویورک قرار داشت. این رقم ۵۸ درصد افزایش را نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن نشان داد.

از سوی دیگر، نحوه مواجهه با بحران افزایش قیمت نفت، به مشکلی برای سیاست‌گذاران فدرال

زررو تبدیل شده بود. بن برنانکی، رییس فدرال رزرو، در نوامبر ۲۰۰۷ به کنگره گفته بود افزایش قیمت نفت، هم فشار فزاینده‌ای را به نرخ تورم وارد کرده و هم نرخ رشد اقتصادی را با محدودیت مواجه می‌سازد. این نگرانی‌ها باعث شد مقامات بانک مرکزی اروپا، نرخ بهره را ثابت نگه دارند. ژان کلود تریشه، رییس بانک مرکزی اروپا، در این زمینه گفت: ما معتقدیم خطر افزایش نرخ تورم بیشتر است. مدیران اجرایی در آن زمان بیشتر به حفظ نرخ رشد اقتصادی معتقد بودند.



مشکل به همین جا ختم نشده بود. افزایش قیمت سوخت هواپیما موجب شد بسیاری از شرکت‌های هواپیمایی، طرح‌های توسعه‌ای خود را متوقف کنند. خطوط هواپیمایی یونایتد در نوامبر سال ۲۰۰۷ اعلام کرده بود این شرکت ممکن است ظرفیت خود را در سال ۲۰۰۸ با هدف جبران هزینه‌های افزایش یافته سوخت کاهش دهد. لوفت هانزا نیز هزینه اضافه بار را در پروازهای طولانی مدت خود افزایش داد.

گری کلی، مدیرعامل خطوط هواپیمایی ساوت وست از سوی دیگر، اعلام کرده بود این شرکت در حال تجدید نظر در خصوص نرخ رشد خود در سال آینده است. وی دلیل این اقدام را افزایش قابل توجه در هزینه‌های عملیات ذکر کرده بود. همچنین خریداران آمریکایی سوخت که بخش عمده‌ای از افزایش نرخ رشد تقاضا مربوط به آنها بود، با افزایش هزینه‌های سوخت، ناتوانی خود را از تداوم رشد تقاضا نشان دادند. بر اساس محاسبات مؤسسه ارنست آندیانگ، رشد خرده فروشی بنزین از ژانویه تا نوامبر سال ۲۰۰۷ به پایین‌ترین سطح آن از سال ۲۰۰۲ رسیده بود.

هزینه‌های مصرف‌کنندگان، دو سوم از اقتصاد آمریکا را به خود اختصاص داده است. روبینی، رییس مؤسسه اقتصاد جهانی و استاد دانشگاه نیویورک، در این خصوص بروز این شرایط را یک شوک عظیم و واقعی خوانده بود. به گفته روبینی، قیمت‌های بالای نفت تا زمانی که وارد رکود شویم ادامه خواهد یافت. به گفته اریک شانی، مقام مسؤول سابق در وزارت دارایی فرانسه، در نوامبر ۲۰۰۷، مدل ارزیابی فعالیت‌های مؤسسه مورگان استنلی در خصوص کشورهای حوزه یورو، علایم بروز رکود در تولید را نشان داده بود. وی تأکید کرده بود ممکن است رشد اقتصاد منطقه در سه ماهه چهارم سال، به آستانه یک درصد برسد. ■

کلایتون جونز، مدیرعامل شرکت راک ول کالینز - که شرکت وی در ایالت آیوای آمریکا سازنده تجهیزات هواپیما است - در این خصوص گفته بود: ما بیشتر نگران اثرات رکود هستیم تا نتایج تورم. در ایالات متحد در ماه اکتبر گذشته، شاخص تولید (ارایه شده از سوی مؤسسه عرضه مدیریت)، به پایین‌ترین سطح خود طی ۷ ماه گذشته رسید. سفارشات و تولیدات به حد محسوسی کاهش یافته بود. شرکت کاترپیلار، سازنده بولدوزر و لودر پیش‌بینی خود را در خصوص سود سال ۲۰۰۸ کاهش داد و اعلام کرد اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۰۸ در آستانه رکود قرار خواهد گرفت یا حتی آن را تجربه خواهد کرد.

## حرکت سینوسی

گزارش بازار جهانی نفت در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۹

در پی وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری و احتمال کاهش تقاضای جهانی نفت، قیمت‌های نفت در روز ۱۲ ژانویه کاهش یافت. در بازار NYMEX نیویورک، قیمت نفت خام وست تگزاس

### قیمت نفت خام ایران در ۱۲ ژانویه

منطقه	نفت سبک	نفت سنگین
آسیا	۴۳/۸۲	۴۱/۲۴
شمال غربی اروپا	۳۶/۷۷	۳۵/۲۱
مدیترانه	۳۶/۷۲	۳۴/۵۷
آفریقای جنوبی	۳۶/۹۷	۳۵/۴۲
میانگین وزنی	۴۱/۴۸	۳۸/۰۰

استخراج: «اقتصاد ایران» از امور بین الملل شرکت ملی نفت.

۲۰۰۸ میلادی، سیر صعودی قیمت‌های نفت بازتابی از رشد اقتصادی دنیا بود، زیرا کشورهای بزرگ صنعتی و در حال توسعه با عطشی دور از انتظار، خواستار این منبع مهم انرژی بودند.

### میانگین قیمت نفت خام ایران (اول تا ۱۲ ژانویه)

منطقه	نفت سبک	نفت سنگین
آسیا	۴۵/۷۶	۴۳/۱۸
شمال غربی اروپا	۴۰/۱۸	۳۸/۶۳
مدیترانه	۴۰/۱۳	۴۷/۹۸
آفریقای جنوبی	۴۰/۳۸	۳۸/۸۳
میانگین وزنی	۴۳/۹۴	۴۰/۷۲

استخراج: «اقتصاد ایران» از امور بین الملل شرکت ملی نفت.

اینترمدیت جهت تحویل در ماه فوریه با ۳/۲۴ دلار کاهش به بشکه‌ای ۳۷/۵۹ دلار رسید. این قیمت در معاملات روز قبل، به سطح ۴۰/۸۰ دلار صعود کرده و تا بشکه‌ای ۳۷/۴۸ دلار نیز اُفت کرده بود. در همین بازار، قیمت سوخت حرارتی برای تحویل در ماه فوریه با ۱/۵ سنت کاهش به ۱/۴۷ دلار در هر گالن رسید. گفتنی است در بازار مذکور، قیمت گاز طبیعی با ۲/۶ سنت افزایش به ۵/۵۴ دلار در هر میلیون بی‌تی‌یو رسید. به موازات، در بازار ICE لندن قیمت نفت خام برنت دریای شمال، برای تحویل در ماه فوریه با ۱/۵۱ دلار کاهش به بشکه‌ای ۴۲/۹۱ دلار رسید. قیمت این نوع نفت خام هم بین ۴۲/۱۲ تا ۴۴/۷۰ دلار برای هر بشکه در نوسان بود. در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا اواسط